

وقتی که می ایستیم برویم برای آزمون لیگ جت خیلی
دلم شور میزد که نکند امتحانی سخت باشد سوار
اتوبوس شدیم رفیم به شهر عشق اباد وقتی که برگه
آزمون را آوردند با خودم گفتم اینکه چیزی نیست زود
حل میکنم و مینویسم با کمک دوستانم ورقه را پر
کردیم و با شادی به روستایمان برگشتیم